**تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک اثر محمد بن حریر طبری**

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران‏ تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک‏ اثر محمد بن جریر طبری‏ ترجمهء ابو القاسم پاینده‏ 365 صفحه بها 250 ریال

تاریخ نگاری در عصر قدیم جنبهء علمی نداشته است،یعنی فاقد روش و متدی بوده‏ که مورخ با استفاده از آن،مجهولات را معلوم کرده،و جهت ارزیابی مطالب و منابع‏ خود از آن استفاده کند.مقداری اطلاعات که خیلی از آنها جنبهء افسانه داشته،با مقداری‏ روایات،آینها منابع مؤلفان تاریخ نویس بوده؛نتیجه اینکه تواریخ عمده‏ای که از تاریخ‏ نگاران ما بجای مانده،به مناسبت اینکه تحقیقات هیچکدام-بجز مقدمهء ابن خلدون،نه‏ متن کتابش-مبتنی بر استدلالات عقلی نیست.تحقیقات بزرگترین مورخان ما از شرح دادن‏ داستان زندگانی پیامبران،تاریخ جنگ و فتوحات و شکستهای پادشاهان،و احتمالا زندگی داخلی و خصوصی آنها در نمی‏گذرد؛و به هیچ وجه به سایر قسمتهای تاریخ،من جمله‏ تاریخ یا تاریخ زندگی ملتها توجهی چندان ابراز نشده است؛با این حال در میان همین‏ تاریخ نگاران هم می‏توان دسته‏های مختلفی را مشخص کرد.عده‏ای از آنها با معلوماتی‏ وسیع‏تر و با دقتی عمیق‏تر منابع و مآخذ خود را به درستی بررسی کرده و حد اقل در مورد روایان و راویانی که ضعیف و غیر قابل اعتماد بودند،تردید کرده و با اینکه در بعضی موارد آنرا نقل هم کرده‏اند،اصل آن را مردود شمرده‏اند.

دستهء دیگر که بیشتر تاریخ نگاران قدیم از این دسته‏اند،کارشان نقل مطالب،و احیانا قلب مطالب گذشته‏هاست.نه کارشان اصالت دارد و نه کتابشان ارزشی در خور؛اما ممکن است در بعضی موارد جزئی،ارزش آثار اینان زیاد باشد.

محمد بن جریر طبری از تاریخ نگاران دستهء اول یعنی از مورخان با ارزش و دقیقی‏ است که با اینکه فاقد یک بینش تاریخی خاص است،کارش اصالت دارد.در این‏ موارد روش او اینست که دربارهءیک مطلب،روایان متعددی را نقل کرده و در آخر خود آنها را ارزیابی نموده و نظرش را می‏دهد.البته این روش از نظر تاریخ نگاران اخیر معایب بسیار دارد.از جمله آنکه فقط مبتنی بر روایات است.به عبارت دیگر تاریخ را از جمله علوم نقلی می‏داند درحالی‏که صاحبنظران معتقدند تاریخ دارای فلسفه ایست،و باید هدفش را تعیین کند و به جزئیات دیگر،مگر در موازد استثنا نباید بپردازد.

به‏هرحال،طبری علاوه بر روایات دینی از کتب دیگر هم استفاده می‏کند و از آنها می‏توان از تورات و اوستا و احیانا بعضی کتب قدیمه که از بین رفته‏اند،نام برد.طبری‏ اولین مورخ بزرگ اسلام است.شاید در قرنهای دیگر نظیرش نیامده باشد.همه مورخان‏ بعد از وی،غالبا از اثر او استفاده کرده‏اند.البته اگر بخشهای اول کتاب را که مربوط به‏ تاریخ پیش از اسلام است و در قرون اخیر تاریخ صحیح‏تری از آن با کمک علوم جدیدی‏ همچون باستانشناسی نگاشته‏اند،کنار بگذاریم،تاریخ پیدایش اسلام و بعد از آن‏که طبری‏ نگاشته‏است،دقیق‏ترین تواریخ استمنهای بعضی موارد که طبری تعصبات مسلکی به خرج‏ داده و از ضبط بعضی احادیث لازم و مسلم خودداری ورزیده است.

طبری در سال 224 یا 225 در شهر آمل متولد شده و وفاتش به روایت صاصب تاریخ‏ بغداد روز شنبه 25 شوال سنه 310 در اوایل شب،اتفاق افتاده و در خانه‏اش واقع در محلهء «رحبه یعقوب»بغداد دفن شده است،دربارهء خصوصیات اخلاقی وی مرحوم بهار گفتاری‏ دارد،خلاصه‏اش اینست:

«از اخلاقی که منافی شأن اهل علم باشد،شدیدا پرهیز داشته و تا روزی که وفات‏ کرده به زهد و عبادت و استغنای اوخللی وارد نیامد.او با کمال متانت و حسن خلق و زهد و تقوی بود.مردی حساس و شدید التأثر بوده است.از حساد و جماعتی که به وی نسبت مبتدع در دین می‏دادند بغایت می‏رنجیده،چنانکه در مرض مرگش گویند که کسی به استاد گفت از بدگویان و دشمنان در گذر؛استاد گفت از همه در گذشتم جز آنکس کهبه من نسبت بدعت داد.»

طریقهء وی را در مذهب،اغلب مورخان طریقهء عامه گفته‏اند؛و گویند که اول متمایل‏ به مذهب شافعی بوده،اما بعدا خوش روش جدیدی به وجود آورده و حتی پیروانی داشته‏ است؛اما امروز از فرقه طبریه جز تاریخ نگاران قرن اسلامیه کسی اطلاع چندانی ندارد.

متن اصلی تاریخ طبری نخستین بار توسط ابو علی محمد بلعمی از وزرای سامانی به‏ فارسی خلاصه و ترجمه شده است.اما بلعمی به ذوق خود بسیاری مطالب کتاب را حذف‏ کرده و مطالب چندی بر آن افزودن و در واقع تألیف جدیدی به وجود آورده است،این‏ کتاب به تصحیح مرحوم بهار چاپ شده است.متن عربی تاریخ طبری یک بار در لیدن از بلاد هلند به همت دوازده تن از مستشرقین اروپایی در دوازده مجلد چاپ شده،البته فهرستها و ضمایمی هم خارج از این مجلدات دارد.

چاپ جدید تاریخ طبری(طبع مورد بحث)ترجمهء متن کامل آنست با حذف روایات‏ مکرر که آقای ابو القاسم پاینده ترجمه کرده است.نقص این جلد که مجید اول تاریخ طبری‏ می‏باشد اینست که فاقد مقدمه‏ای جامع دربارهء طبری و کتابهایش و مطالب دیگر می‏باشد. مترجم در مقدمه‏ای بسیار مختصر،خواننده را به مجلدات دیگر حوالت می‏دهد ک امید است یکی پس از دیگری انتشار یابد.